

A Critical Approach to the Portrayal of Hazrat Zahra (PBUH) in Three Editions of the Encyclopedia of Islam, Leiden

Fatemeh Janahmadi

Professor of History, Department of History, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University .
f.janahmadi@modares.ac.ir

Received: 2023/12/14

Received in Revised Format: 2024/01/13

Accepted: 2024/01/30

Published: 2024/03/20

Abstract

The history of Islam has a long-standing connection with the culture of Orientalism. Since ancient times, understanding Islam has been the foundation of the Islamic East, and the main pillar of familiarity in the field of Islamic history goes back to understanding the life, tradition, and times of the Messenger of God (PBUH), his family, and his companions. This connection has led many Orientalists to seek to understand Islam and explain its foundations, as well as to analyze aspects of the life of the Messenger of God (PBUH) and his family, especially the daughter of the Messenger of God (PBUH), Fatima Zahra (PBUH), as a model of behavior for Muslim women. This is, for various reasons, including her relative relationship with the Messenger of God (PBUH), as well as her wife of his successor, Ali ibn Abi Talib (PBUH), and the mother of Hassan and Hussein (PBUH), and also influenced by her unique personality in the history of Islam, understanding Hazrat Zahra (PBUH) has been essential and mandatory for Orientalists because she was a political and religious activist, especially in important historical events after the death of the Messenger of God (PBUH). One of the most important historical studies that can provide a scientific picture of Hazrat Zahra (PBUH) are encyclopedias, which, in addition to their broad general audience, also include mid-level specialists. This article aims to answer the question of who the authors of the Fatima Zahra (PBUH) entry are and what approach and method they used in explaining and compiling the entry in question. What image did they present of Fatima Zahra? What are the characteristics and components of the entries in question? Has the fear of Islam and the ignorance of its principles and branches not caused orientalists to misunderstand the history of Islam? Were the authors of the second edition influenced by the discourse of Islamophobia? What are the characteristics and components of the entries in question? Due to the historical nature and critical approach, the study method in this article will be historical criticism, relying on description and analysis of data beyond dogmatic interpretations and narratives.

Cite as: A Critical Approach to the Portrayal of Hazrat Zahra (PBUH) in Three Editions of the Encyclopedia of Islam, Leiden. Iranian History of Culture. 2024; 1(1): 144-170.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online):3060-8066

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2024.19228

رهیافت انتقادی به تصویر سازی حضرت زهرا(س) در سه ویراست دائرة المعارف اسلام چاپ لیدن

فاطمه جان احمدی

استاد تاریخ گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس f.janahmadi@modares.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

چکیده

روابط تاریخ اسلام با فرهنگ شرق شناسی پیوندی دیرینه دارد. از دیرباز شناخت اسلام پایه و اساس شرق شناسی بوده است و رکن اصلی معرفت یابی در حوزه تاریخ اسلام به شناخت سیره، سنت و زمانه رسول خدا(ص) و اهل بیت ایشان و صحابه به معنای وسیع آن باز می گردد. همین پیوستاری معنایی موجب شده است تا خاورشناسان متعددی بدنبال شناخت اسلام و تشریح مبانی آن و نیز واکاوی زوایای حیات رسول خدا(ص) و اهل بیت علیهم السلام بویژه دختر رسول خدا(ص) فاطمه زهرا(س) به مثابه اسوه رفتاری جامعه زنان مسلمانان بپردازند. این درحالی است که به دلایل مختلف از جمله ارتباط نسبی با رسول خدا(ص) و همسری وصی او علی بن ابی طالب (ع) و مادری حسنین (علیهما السلام) و نیز متأثر از شخصیت بی بدیل او در تاریخ اسلام به مثابه کنش گری سیاسی و مذهبی بویژه در بزنگاه تاریخی پس از رحلت رسول خدا(ص) شناخت حضرت زهرا را برای مستشرقین ضروری نموده است. یکی از مهمترین تحقیقات آکادمیک و شاید سهل الوصول ترین مطالعات تاریخی که می تواند تصویری علمی از حضرت زهرا(ص) ارائه دهد، دائرة المعارف ها هستند که ضمن وسعت مخاطبان عام، متخصصان سطوح میانی را نیز شامل می شوند. این مقاله قصد دارد تا ضمن بررسی مدخل های فاطمه زهرا(س) در دائرة المعارف های اسلام چاپ قدیم و جدید و بریتانیکا، ایرانیکا، دائرة المعارف دین، قرآن و دائرة المعارف اسلام و مسلمانان، به این سوالات پاسخ دهد که نویسندگان مدخل فاطمه زهرا(س) چه کسانی هستند؟ آنان چه رویکرد و روشی در تشریح و تدوین مدخل مورد نظر داشته اند؟ و چه تصویری از فاطمه زهرا(س) ارائه داده اند؟ شاخصه ها و مولفه های مدخل های مورد نظر چیستند؟ آیا ترس از اسلام و ناشناختگی از اصول و فروع آن موجبات بدفهمی مستشرقان از تاریخ اسلام را بوجود آورده است؟ آیا نویسندگان ویراست دوم تحت تاثیر گفتمان اسلام فوبیا و یا نویسندگان ویراست نخست بوده اند؟ شاخصه ها و مولفه های مدخل های مورد نظر چیست؟ به دلیل ماهیت تاریخی و رویکرد انتقادی روش مطالعه در این مقاله روش تاریخی Historical criticism متکی بر توصیف و تحلیل داده است و این روش فراتر از تفسیرها و روایت های جزمی خواهد بود.

کلیدواژه ها: فاطمه زهرا (س) - خاورشناسان - دائرة المعارف اسلام - مطالعه انتقادی - هنری لامنس، لائورا

وچا والی پری - ورناکلم

نحوه ارجاع: "رهیافت انتقادی به تصویر سازی حضرت زهرا(س) در سه ویراست دائرة المعارف اسلام چاپ لیدن". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۳:

۱۷۰، (۱) ۱۴۴۴.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2024.19228

خاورشناسی یکی از منظومه های مطالعات وسیع شرق است که به دلیل دامنه دار بودن موضوعات متنوع آن نمی توان بطور دقیق تاریخی را برای خاستگاه آن بر شمرد؛ هرچند به دلیل رویکردهای نو و مفاهیم جدید آن می توان حیطه ی آن را به لحاظ روشی به دوران جدید منتسب کرد. لیکن متأثر از اهداف شرق شناسی که بخش مهمی از آن " هویت سازی " برای غرب و اروپای مسیحی در برابر «دیگری» یعنی جوامع مسلمان در شرق بوده است ریشه ای بس کهن دارد و می توان رگه های تلاش برای سامان دهی نظام معرفتی غرب مسیحی و یهودی در برابر شرق مسلمان را در مطالعات عقیدتی، فرهنگی و شناخت موضوعات مرتبط با آن بویژه در منازعات صلیبیان و یا جنبش بازپس گیران اندلس و مسیحیان غربی یا همان رِکونکیستا (Reconquista) جستجو کرد. بدین ترتیب، رفته رفته گفتمانی غربی پیرامون شرق در منظومه های علمی شکل گرفت که به خاورشناسی شهره است. هرچند شاید نخستین رویکردهای انتقادی به آثار "ادوارد سعید" برجسته ترین منتقد شرق شناسی بازگردد اما آرام آرام مطالعاتی قوی تر در آکادمی های غربی شکل گرفت که پا را از شرق شناسی صرف که با مردم شناسی، زبان شناسی و جامعه شناسی عجین بود فراتر نهاد و مفهومی دقیق تر از شرق شناسی در متون قرون جدید خلق شد که با مفهومی عالمانه و پژوهش گرانه در نهادهای پژوهشی و دانشگاهی متداول جهان، همسو و هم معنا بود. این مترادف معنایی موجب شد هر آن کس که درباره ی مشرق زمین تدریس یا تحقیق می کند یا چیزی می نویسد را شرق شناس بنامند. این مفهوم در ادوار تاریخی معاصر، به گفتمانی قابل قبول با روش اندیشیدن و سبک تفکر درباره شرق تואمان شده است و نظام معرفت شناختی و هستی شناختی ویژه خود را باز یافته است. این باز تولید اندیشه گی درباره نظام معنوی شرق با اسلام پژوهشی در غرب گره خورده است. از این رو شرق شناسی و اسلام پژوهشی رشته ای منسجم و علمی شد تا فرهنگ اروپایی در خلال دوران پس از عصر روشنگری بتواند به وسیله ی آن شرق اسلامی را از حیث ایدئولوژیکی، سیاسی، جامعه شناسی، علمی و تخیلی بشناسد و از طریق این شناخت بر آن سلطه یابد و آن را اداره کند. وجود پرسش های بسیار در باره اسلام و مسلمانان در غرب از یکسو، آوازه ظرفیت های دین اسلام و منش و فرهنگ مسلمانان از سوی دیگر که به شتاب اسلام گرایی دامن می زد، ولع واکاوی زوایای ناگفته درباره اسلام و مسلمین را فزونی می بخشید. لذا به موازات شرق شناسی، اسلام شناسی نیز رشد کرد و همه جا دامن گسترده.

در میان ابزارهای معرفتی برای شناختن و شناساندن دین اسلام و یا آداب مسلمانی و آیین های آن دائرة المعارف ها نقش مهم و بسزایی داشته و دارند. این مجموعه های علمی به مثابه گونه ای از کتاب های مرجع حاوی اطلاعاتی کلی در قالب مقالات و مدخل های مستند و منظم، قابل فهمی از دانش ها یا طیف معینی از علوم یا دانشی خاص هستند که با هدف آگاهی رسانی عمومی نگارش یافته و در عصر حاضر در قالب الفبایی تدوین می شوند. صرف نظر از انواع دایرةالمعارف ها که به دایرةالمعارف های اختصاصی (مقالات مربوط به موضوعی خاص در آن نوشته می شود)، و دایرةالمعارف های عمومی (شامل مطالبی کلی در حوزه ی تمام معارف بشری است) قابل تقسیم اند؛ باید اذعان نمود که بیشترین سهم اصلی در تاثیر گذاری بر روش ها و اسلوب های دانشنامه نویسی یا دائرة المعارف نگاری، از آن "دایرة المعارف اسلام" چاپ لیدن (لایدن) است که بر سیر دانشنامه نویسی به زبان های اصلی جهان اسلام در دوره جدید تأثیری قاطع و درازمدت نهاد (رودگر، ۱۳۹۳، جلد ۱۷)

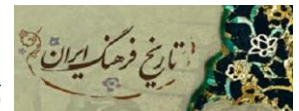
مقاله پژوهشی

آنچه مسلم است دایره المعارف اسلام به عنوان نخستین دایره المعارف جامع و نمونه های مشابه آن اساس کار خود را بر تبیین نظام معرفتی اسلام و رویکرد توحیدی تمدن اسلامی با همه ابعادش نهادند. علاوه بر این کانون توجه این مجموعه ها بر تشریح موضوع رسول خدا (ص) اعم از سیره و سنت و به تبع آن حیات اهل بیت (علیهم السلام) و صحابه ایشان بود. بر این اساس دایره المعارف اسلام (The Encyclopaedia of Islam EI1) به عنوان نخستین شکل دایره المعارف علمی-آکادمی با سه دوره ویرایش متفاوت مدون شد. این مجموعه به عنوان یکی از منشورات مهم دانشگاهی بریل در لیدن (لایدن) هلند، در کنار ۲۷۵ مجله و ۱۲۰۰ کتابی که این انتشارات در سال منتشر می کرد، توانست تاثیر بسزایی بر دایره المعارف نویسی و اسلام شناسی در جهان معاصر برجای نهد و امروزه به عنوان یکی از مراجع پژوهش های اسلام شناسی در جهان به شمار می رود. از آنجا که دال مرکزی گفتمان اسلام به مثابه یک دین، سیره و سنت حضرت رسول اکرم (ص) و اهل بیت ایشان است، مطول ترین مقالات هم به شخصیت حضرت محمد (ص) و اهل بیت ایشان اختصاص یافته است. این در حالی است که مدخل های متعددی نیز به حضرت فاطمه زهرا (س) همسران، فرزندان، خویشان نسبی و سببی، صحابه، و حتی رویدادهای متصل به او تخصیص یافته است. از آنجا که عنوان این مقاله رویکرد انتقادی به تصویر سازی از فاطمه زهرا سلام الله علیها در دایره المعارف های غربی و نزد مستشرقان دایره المعارف نویس است، در این مقاله تنها به سه دوره دایره المعارف اسلام چاپ لیدن اشاره خواهد که تصویری متفاوت و گاه همسو با قرائت غربی از اسلام ارائه شده است. زیرا نویسنده این مقاله باور دارد که اسلام هراسی و ایجاد بدفهمی از اسلام مقوله جدیدی در غرب نیست و امروزه به گفتمان مسلطی در میان جوامع غیر مسلمان مبدل شده است. مقالات متعدد در زمینه اثبات این نظر وجود دارد (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲ و رنجبران، ۱۳۹۳ و جان احمدی و بایرام، ۱۴۰۲) که پرداختن به آنها در چارچوب این مقاله نیست، لیکن این موضوع به عنوان مفروضی قابل اعتنا پذیرفته شده است تا در خلال آن به موضوع حضرت زهرا (س) به مثابه اسوه و الگوی تربیتی زنان در جامعه اسلامی عصر نبوی و پس از آن توجه شود.

طرح مساله

شناخت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان دختر رسول خدا (ص) و همسر علی بن ابی طالب علیه السلام وصی و جانشین رسول خدا (ص) و نخستین امام شیعیان، و نیز مادر حسنین سلام الله علیهما به مثابه ائمه دومین و سومین ائمه شیعه، و مادر زینب کبری به عنوان وارث رخداد کربلا و احیاگر نهضت بزرگ شیعه در میان جوامع مسلمان همواره از اهمیت و جایگاه بسیار زیادی برخوردار بوده و هست.

در میان مراجع مهم مطالعاتی که بخش قابل توجهی از مخاطبان عمومی و خاص را به خود اختصاص می دهد و می تواند به عنوان مرجع فراگیر در گرونده تولید آگاهی نقش مؤثری داشته باشند، دایره المعارف ها و دانشنامه ها هستند؛ که مهمترین آنها به لحاظ قدمت و اهمیت دایره المعارف اسلام "Encyclopaedia of Islam" چاپ لیدن (Leiden) است. امروزه سه ویرایش از این مجموعه در دست است که به لحاظ محتوا و نویسندگان تفاوت های اساسی بایکدیگر دارند. مدخل فاطمه الزهرا (س) که کانون اصلی بررسی مقاله حاضر است در هر سه این دایره المعارف ها با نویسندگان مختلفی وجود دارد. نویسنده مقاله حضرت فاطمه (س) در نسخه نخست دایره المعارف اسلام هنری لامنس (H. Lammens) (۱۸۶۲-۱۹۳۷م) نویسنده و خاورشناس معلوم الحال بلژیکی است. همین مدخل در ویراست دوم EI2 توسط لائورا وچا والی پری (Laura



مقاله پژوهشی



Veccia Vaglieri) شرق شناس ایتالیایی و اسلام‌پژوه و تحصیل کرده دانشگاه ناپل (۱۸۹۳-۱۹۸۹م) به رشته تحریر در آمده است. نویسنده مدخل فاطمه در سومین نسخه ویراسته دایره المعارف EI3 وِرنا کِلِم (Verena Klemm) متولد ۲۹ آوریل ۱۹۵۶م و استاد و رئیس موسسه مطالعات عربی در دانشگاه لایپزیگ آلمان است. او متخصص تاریخ قرون نخست اسلامی و ادبیات عربو بویژه اسماعیلیه پژوه است. به دلیل تنوع مقالات و تفاوت نویسندگان مجموعه دایره المعارف اسلام هر سه ویرایش شایسته است، تحقیقی تطبیقی با رویکرد انتقادی در باره مدخل های پرچالش تاریخ اسلام در این مجموعه تحقق یابد. براین اساس خواست مقاله حاضر بررسی چگونگی تصویر سازی نویسندگان دایره‌المعارف نویس غربی از فاطمه زهرا(س) در مراجع علمی فرهنگی چون دایره المعارف اسلام است. و مقرر است در خلال بررسی های تاریخی، مدخل های مورد نظر، با رویکرد انتقادی بازخوانی شوند و به این سوالات پاسخ داده شود که نویسندگان مدخل فاطمه زهرا(س) به لحاظ موقعیت علمی و جایگاه اجتماعی چه کسانی هستند؟ و چه تصویری از حضرت زهرا(ص) در مجموعه سه گانه دایره المعارف اسلام EI1, EI2, EI3 ارائه داده اند؟ آیا اهداف معنا داری در نحوه نویسندگی و یا اختیار داده های تاریخی این مؤلفان وجود دارد؟ آیا نویسندگان ویراست دوم تحت تاثیر گفتمان اسلام فوبیا و یا نویسندگان نسخه نخست نبوده اند؟ شاخص ها و مولفه های مدخل های مورد نظر چیست؟ به نظر می رسد گفتمان اسلام فوبیا در ویراست نخست بسیار ملموس و مشهود است و رگه های بدفهمی از اسلام در مقالات قابل ردیابی است، مویید این ادعا همین صراحت اسلام ستیزی و قرائت غلط از رخدادهای تاریخ اسلام و یا مدخل های مرتبط با آنها باعث خشم محققان و مسلمانان در جهان اسلام شد.

از آنجا که ماهیت این مقاله تاریخی است. (محمد تقی ایمان، ۱۳۹۱: ۱۳۲). روش مطالعه برای یافت پاسخ مستدل سوالات مطرح روشی تاریخی و انتقادی، Historical criticism متکی بر توصیف و تحلیل داده‌ها، فراتر از تفسیرها و روایت‌های جزمی خواهد بود. به عبارتی توضیح و تشریح این مدخل ها کمک می کند تا از خلال آن بتوان تفاوت ها و تمایزات سه نسخه دایره المعارف اسلام در موضوع حضرت فاطمه زهرا را یافت و به سوالات مطرح آن پاسخ گفت و سرانجام به چگونگی تصویری که این مراجع علمی در اختیار مخاطبان خود قرار می دهند، دست یافت.

بحث

دلایل دایره المعارف نویسی در غرب با رویکرد مطالعات اسلامی

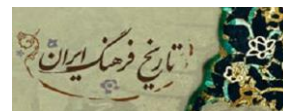
دایره المعارف نویسی پدیده ای جدید در جهان اسلام نبود و بهترین نمونه آن آثار قاضی ساعد اندلسی (متوفای ۴۲۰ هجری) مانند التعریف بطبقات الامم و یا کتاب جوامع الأخبار الامم من العرب و العجم. صوان الحکم) که توانسته به تقویت وجود ایده دایره‌المعارف نویسی نزد مسلمانان کمک نماید. اما دایره المعارف معنای امروزی با ساختار آکادمیک آن در جهان غرب از قرن هجدهم میلادی آغاز شد، ثمره نیاز غرب به شناخت هویت و میراث مسلمانان در شرق بود. مطابق اطلاعات موجود در انگلستان جان هریس در ۱۷۰۴ م فن واژگان را با ساختاری منطبق با نظام دایره المعارفی منتشر کرد و مطابق تعاریف موجود این مجموعه تمام خصوصیات یک دایره المعارف جدید را دارا بود.

مقاله پژوهشی

اما فرایند دائره المعارف نویسی با رویکرد تاریخی و اسلامی در غرب روند دیگری داشت. چنانکه هرساله در غرب، ناموران شرق شناس که در زمینه‌ی خاورشناسی و استشراق کار می‌کردند، در کنگره‌ای عمومی گردآمده، و در امور علمی و ادبی، تاریخی شرق به گفتگو و تبادل نظر می‌پرداختند. در کنگره‌ای که در سال ۱۸۷۳ در پاریس ۱۸۹۲ م در لندن برگزار شد. (سحاب، ۱۳۱۷: ۲۴-۲۵) اندیشمندان غربی برای نخستین بار بر ضرورت تدوین مجموعه‌ای به نام دائره‌المعارف اسلام تاکید کردند. در این کنگره شخصی به نام اسمیت (Smith) پیشنهاد تدوین این دائره‌المعارف را مطرح کرد و در همان کنگره کمیته‌ای متشکل از سیزده عضو به ریاست اسمیت متصدی فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای این کار شد. پس از مدتی اسمیت درگذشت و در اجلاس کنگره بعدی، ایگناز گلدزیهر (Ignaz Isaak Yehuda Goldziher) به جای او برگزیده شد.

در کنگره‌ای که در سال ۱۸۹۷ در پاریس برگزار شد به دلایل مختلف، گلدزیهر استعفا داد و هوتسما (Martijn Theodoor Houtsma) (۱۸۵۲-۱۹۴۳ م) به جای او انتخاب شد. (نوری ۱۳۸۴: ۹۶) وی که خاورشناسی معروف و عضو انجمن دائره‌المعارف اسلامی لیدن بود (Vol 79, p 136) (Journal of the Royal, 1947) توانست در همان جلسه خاورشناسان مختلفی را با ملیت‌های متفاوت از جمله انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، روسی، مجاری، اتریشی و هلندی برای همکاری در تدوین دائره‌المعارف اسلام فراخواند. در ابتدا نظارت علمی مقالات با دوجه (M.g. De Goege) و هوتسما بود. (نوری، ۱۳۸۴: ۹۹) در سال ۱۹۰۸ میلادی امتیاز انتشار دائره‌المعارف اسلامی به انتشارات بریل در شهر لیدن هلند واگذار شد. و امور نشر و انتشار دائره‌المعارف اسلام که از سال ۱۹۱۳ م شروع شده بود و در سال ۱۹۳۸ م به اتمام رسید (Elton, L, Daniel, encyclopaedia of islam., 2013) نام اولیه این کتاب مرجع که A Dictionary of the Geography Ethnography and Biography of the Mohemmedan peoples: «جغرافیا، نژاد و زندگی‌نامه مردم محمدی» (نوری ۱۳۸۴: ۹۹) تعیین شد و بعدها به دائره‌المعارف اسلام تغییر نام یافت.

چنانکه اشاره شد محققین کشورهای غربی با ملیت‌های متفاوت اعم از اروپایی و آمریکایی در تدوین نخستین دائره‌المعارف اسلام نقش داشته‌اند. برای نمونه دانکلان بلاک مک دونالد آمریکایی در مدیریت یا مقاله نویسی دائره‌المعارف اسلام سهیم بوده است. (محمد نوری، ۱۳۷۷: ۳۶۵) از دیگر افرادی که در تدوین مقالات

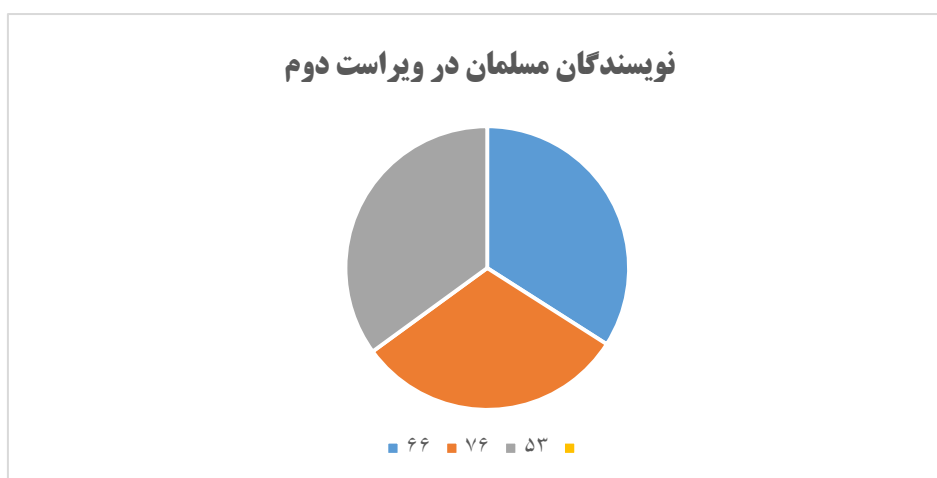


دایره‌المعارف اسلام نقش داشته‌اند، می‌توان به بلاشر (Blachere)، بروکلمان، (Brokelman) آرنولد (Arnold) لامنس (Lammens)، لوییس (Lewis)، مینورسکی (Minorsky)، هارتمان (Harmann)، مونتگمری وات (Montgomery Watt)، مان (Mann) و فارمر (Farmer) اشاره کرد. هرچند اعضا هیأت علمی دائرة المعارف اسلام بنابر دلایل متعدد بطور متناوب در حال تغییر بودند، چنانکه بعدها ونسینکی (Arent jean wensinck)، آرنولد (Arnold)، پروونسال (E. Levi – Provencal) و هفنینگ (w. Heffening) به آنها اضافه شدند. (نوری، ۱۳۸۴: ۹۷) گفتنی است هوستما تا سال ۱۹۲۴ میلادی سرپرستی دایره‌المعارف اسلام را بر عهده داشت و پس از آن فنسک (ونسک) عهده‌دار آن شد. (محمد نوری، ۱۳۷۷: ۳۶۵)

ویرایش اول این مرجع علمی با بیش از نه هزار مقاله، با عنوانی فرعی درانتشارات بریل در لایدن و در لایپزیگ آلمان در چهار جلد اصلی در فاصله سالهای ۱۹۱۳-۱۹۳۶ / ۱۲۹۲-۱۳۱۵ش به زبان‌های آلمانی، فرانسه و انگلیسی چاپ و منتشر شد و در سال ۱۹۳۸ / ۱۳۱۷ش یک جلد تکمله به آن اضافه گردید. یکی از نکات حائز اهمیت ویراست اول این بود که همه مؤلفان آن اروپایی و غیرمسلمان بودند. هرچند متولیان امر تلاش کردند در نگارش ویرایش اول دایره‌المعارف اسلام اشخاصی به عنوان مشاور و معاون به کار گرفته شوند: از جمله آنها می‌توان به گروهی از مسلمانان اشاره کرد که فان اس (J. Van ESS) مسئولیت معرفی آنها را بر عهده داشت. از جمله افراد مسلمان که به عنوان مشاور از آنها استفاده شد می‌توان به ابراهیم مدکور، محمد شفیع، بزمی انصاری، مصطفی شهابی، سیدحسین نصر و محمدالطالبی اشاره کرد. (نوری ۱۳۸۴ ص ۹۷). ویرایش اول کتاب دایره‌المعارف اسلام در سه نسخه به طور هم‌زمان ارائه شد که این نسخه‌ها دارای تفاوت‌هایی نیز بودند و این طور نبود که عیناً شبیه هم باشند. افزون براین خلاصه‌ای از ویرایش اول نیز در سال ۱۹۵۳ / ۱۳۳۲ش با مقالاتی که بیشتر درون مایه فقهی و تاریخی داشتند، با عنوان "خلاصه دایره‌المعارف اسلام" به زبان انگلیسی منتشر شد و در ۱۹۷۴ و ۱۳۵۳ / ۱۳۷۰ش تجدید هم چاپ شد. علی‌رغم حجمه‌های مختلف به مواضع علمی این مجموعه از جانب مسلمانان، انتشارات بریل بی توجه به این اعتراضات، مجدداً آن را در نه مجلد در ۱۹۸۷ / ۱۳۶۶ش تجدید چاپ کرد. دلایل این اعتراضات اشتباهات فاحش در پردازش موضوعات، تاختن‌های بی‌مهابا بر میراث اسلامی، نادیده گرفتن وعدم بهره‌گیری از منابع اصیل اسلامی و در پاره‌ای مقالات نادیده گرفتن منابع شیعه و نیز سوگیری‌های تعمدانه نسبت به مفاخر جهان اسلام و

مقاله پژوهشی

مواضع تند و متعصبانه و گاه ایدئولوژیک نویسندگان مسیحی و یهودی مقالات که عمدتاً شرق شناسان نام آشنا و متعصب و بعضاً از چهره های معاند شهیری چون گلدزیهر و لامنس بودند، بویژه خطاهای نابخشودنی از تصویر سازی شخصیت های برجسته تاریخ اسلام، که به خیزش و دامنه دار بودن امواج اعتراضات تنفرآلود در میان مسلمانان دامن می زد و همین دلیل قابل قبولی بود تا متولیان دائرةالمعارف مبادرت به تدوین ویراست دو (Edition/EI2) *The Encyclopaedi of Islam New / Second* با رویکردی متعادل تر متأثر از فرهنگ نوشتاری غرب و گفتمان آکادمیک نمایند. براین اساس تلاش شد تا با انتخاب نویسندگانی از همه ملیت های شرقی بویژه، ایرانی، عرب و ترک تبار و مسلمان و غیر مسلمان و البته هم جهت با اهداف کلان دائرةالمعارف اسلام در تصحیح ویراسته اول برآیند، مؤید این مدعا تعداد تنوع بخشی به نویسندگان و استفاده بیشتر از محققان مسلمان است. چنانکه در جلد اول ۶۶ نفر از ۳۴۳ مولف، در جلد سوم ۷۶ نفر از ۳۱۲ مولف و در جلد پنجم ۵۳ نفر از ۳۵۳ مولف مسلمان اند یا ملیت عربی-اسلامی دارند.



سر ویراستاری ویرایش دوم دائرةالمعارف اسلام EI2 بر عهده محققان سرشناسی چون همیلتون الکساندر روسکین گپ بود. وی که پیشتر ریاست مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد را بر عهده داشت توانست مراحل نخست تدوین ویرایش دوم را بنیان نهد. در کنار او کسانی چون لوی-پروونس (Évariste Lévi-Provençal) خاورشناس فرانسوی، جی ایچ کرمز (J. H. Kramers (d. 1951) و جوزف شاخت (J. Schacht) و برنارد لوئیس (B. Lewis) و پلات (Ch. Pellat) و وی ال میناگ (V.L. Ménage) و فون

دانتزل، گ. آر هاوتینگ (G. R. Hawting) و سی ئی بُسورث (C.E. Bosworth) و پی جی بیرمن (P.J. Bearman) نیز حضور داشتند.

به نظر می رسد ویرایش دوم EI2 هم چندان دور از تعصب و جانبداری نبود. تحولات علمی و توسعه مطالعات اسلامی در پی تغییرات اجتماعی، رشد تعدد دائرة المعارف نویسی در غرب (اسعدی، ۱۳۸۱: ۱۷۱) شکل گیری رسانه های فراگیر، تغییر در نگره محققان مسلمان با رویکردهای انتقادی بسیار موجب شد تا ایده ویرایش سوم دائرة المعارف اسلام EI3 شکل بگیرد. لذا ویرایش سوم دائرة المعارف اسلام : Encyclopaedia of Islam Three Edition The از ۲۰۰۷ آغاز شد و مقرر گردید طی پانزده سال متوالی این مجموعه به پایان برسد. به انضمام این قرار که هرساله چهار جزوه ۲۰۰ صفحه ای با تمرکز بر مطالعات اسلامی در قرن بیستم، به ویژه در حوزه و مناطق کمتر شناخته شده هم چون آسیای جنوب شرقی و صحرای آفریقا و با تمرکز بر مسائل مربوط به حقوق اقلیت های مسلمان در همه کشورها و سرزمین های غیر مسلمان منتشر شود. ویرایش سوم تحت نظارت چهار سر ویراستار به نام های: گودرون کرمر (Gudrun Krämer)، اُورت راوسن، (Everett Rowson) جان ناواس (John Nawas) و دنیس ماترینگ (Denis Matringe) است؛ (EI3, introduction, vi. p: v)

گرچه از انگیزه های نگارش این مجموعه سه دوره ای (EI1, EI2, EI3) به دلیل فقدان مقدمه ای درخور که بتواند به این سوال ما پاسخ دهد، اطلاعات دقیقی در دست نیست اما بطور کلی رشد آگاهی، اسلام گرایی، سوالات پرشمار درباره اسلام و آیین آن در غرب و از همه مهمتر لزوم اطلاع یافتن و یا اطلاع دادن جهت دار در غرب به توسعه کتابهای دائرة المعارفی افزود. این درحالی است که در چاپ دوم ویراست نخست (EI1) در پیشگفتار ناشر (EI1, Publishers' preface. 1987) همین دلایل پیش گفته را مطرح و دلیل اصلی را افزایش علاقه به دانستن در باب اسلام و فرهنگ اسلامی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می داند.

به هر تقدیر هر سه ویراست دائرة المعارف اسلام (EI1, EI2, EI3) را می توان خوش بینانه ثمره اسلام شناسی غربی، یا به معنای دقیق تر، میوه و ثمره شرق شناسی در غرب معاصر دانست. هرچند این ولع به دانستن در باره اسلام را باید به همان سده های نخست صدر اسلام بازگرداند. خیزش اسلام و فتوح اسلامی در شرق و غرب و از همه مهمتر فتح اندلس در عین ناباوری فرنگیان و گسترش اسلام بدون لشکرکشی در اروپا، موجبات کنکاش و لزوم

معرفت در باره اسلام را فزونی بخشید و حاصل این تلاش در قرنهای هجدهم و نوزدهم به دایره المعارف نگاری برای آشنایی عموم و آگاهی گستره عامدانه و جهت گیرانه منجر شد. (دایره المعارف الاسلامیه، بی تا، مقدمه، ۴؛ دانشنامه ایران و اسلام، مقدمه، ۱/۱۰؛) این در حالی است که بدانیم همزمان با انتشار نسخه های ترجمه شده آن هم در اختیار عموم قرار گرفت.

ویژگی های دایره المعارف اسلام

دایره المعارف اسلام با توجه به این که اولین کوششی است که از سوی خاورشناسان غربی برای گردآوری اطلاعات علمی مربوط به اسلام و جهان اسلام در قالب دایره المعارف انجام شده است دارای ویژگی هایی است که ما در این جا به طور مختصر به بعضی از آن ویژگی ها اشاره می کنیم:

یکی از ویژگی های انحصاری این دایره المعارف در مقابل دایره المعارف های دیگری که در مورد اسلام به رشته تحریر کشیده شده است توجه به اعتقادات اختصاصی شیعه و زندگی تحلیلی امامان این مکتب است که اگرچه در بسیاری از موارد قابل نقد و بررسی است اما در هر حال آئینه تمام نمای نحوه نگرش و تفکر اسلام شناسان غربی در مورد مکتب مقدس تشیع است که می تواند مبنای بسیار محکمی برای برنامه ریزی علمای شیعه نسبت به معرفی صحیح و مستند این مکتب به اندیشمندان جهان باشد.

ساختار تدوین اطلاعات در آن به روش ساده است به طوری که برای تمام مردم به راحتی قابل استفاده است.

به خاطر چینش و ترتیب خوب اطلاعات، دسترسی و مراجعه به مطالب مورد نیاز راحت می باشد.

تلاش بسیاری از نویسندگان دایره المعارف برای نشان دادن و آشکار کردن کارشان به صورت یک کارنامه اساسی.

بعضی از مردم با دیدن نام این مستشرقین فریفته شده و هر آنچه که آن ها نوشته اند را قبول می کنند.

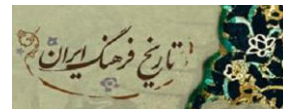
هیچ دایره المعارف اسلامی جایگزین آن وجود ندارد. (بن عبدالله القاسم، ۱۴۰۳، ۱/ ۹-۱۰)

دایره المعارف اسلام بر متون کلاسیک و تاریخ کهن و میانه تاکید دارد. (ادبی، ۸۴: ۲۷)

دایره المعارف اسلام به زبان های مختلف انگلیسی، فرانسه، آلمانی، فارسی، ترکی، عربی و اردو ترجمه شده است.

کتاب جامعی در مورد مسائل مختلف اسلام و تشیع و در تمامی مسائل تاریخی، تمدنی، کلامی، فقهی و فلسفی و ...

بوده و از منابع مختلف و متعددی در تحریر مدخل های آن استفاده شده است.



مقاله پژوهشی



ارجاع دادن بعضی از مطالب درون متن که خود دارای مدخل مستقل هستند؛ لذا از اطناب پرهیز شده است. بر این اساس ممکن است در یک مدخل برای واضح تر شدن آن، به چند مدخل دیگر ارجاع داده شده باشد. ذکر منابع هر مدخل بعد از آن مدخل. نوشته شدن هر مدخلی توسط افراد متخصص در آن زمینه.

حضرت فاطمه زهرا(س) در مطالعات غربی و دایره المعارف‌ها

امروزه فهرست مطولی از مقالات و آثار علمی پیرامون شرق شناسی و اسلام شناسی محققان غربی در دست است که بخشی هایی از آنها به شناخت شخصیتی حضرت فاطمه زهرا(ع) و زندگی پرفراز و نشیب او اختصاص یافته است. این کثرت و تنوع آثار اسلام شناسی مؤید علاقه وافر خاورشناسان و نیز پژوهشگران به حوزه تاریخ اسلام و شخصیت های کلیدی آن است. گرچه نام بردن همه این آثار از عهده این مقاله خارج است لیکن به اشاره می توان به دائرة المعارف هایی که در حوزه تاریخ اسلام نوشته شده اند، در ذیل اشاره نمود.

دایره المعارف اسلام (چاپ اول EI1) مدخل (، نوشته «هنری لامنس»

دایره المعارف اسلام (چاپ جدید EI2) ویراست دوم: مدخل فاطمه(س) نوشته «لائورا وچا والی پری»

مدخل دایره المعارف اسلام (چاپ جدید EI2) «فدک» نوشته «لائورا وچا والی پری»

دایره المعارف اسلام (چاپ سوم EI3) Fāimah bint Muhammad

دایره المعارف ایرانیکا Fāṭimah: In myth, folklore, and popular devotion «» (فاطمه: در اسطوره، فولکلور و عبادت مردمی) نوشته: «ژان کالمارد»

دایره المعارف دین: مدخل «Fāimah bint Muhammad» (فاطمه (س) بنت محمد(ص) نوشته «جین دامن مک آلیف»

فرهنگ مختصر ادیان جهان آکسفورد: مدخل «Fatima» (فاطمه س) نوشته «جین دامن مک آلیف»

دایره المعارف قرآن: مدخل «فاطمه» نوشته: «جین دامن مک آلیف»

دایره المعارف بریتانیکا: «فاطمه» نوشته: «اورسولا گوتتر»

دایره المعارف اسلام و مسلمانان جهان «فاطمه»: نوشته «اورسولا گوتتر»

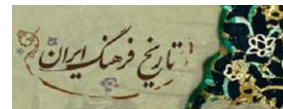
دایره المعارف جهان:مدخل «فاطمه»

دایره المعارف زنان در تاریخ جهان آکسفورد: «Fatima bint Muhammad» (فاطمه بنت محمد) نوشته «سیمونه تا کالدینی»

علاوه براین مجموعه های دایره المعارف گونه هم چون: لغت نامه تاریخی ادیان، فلسفه و جنبش ها : مدخل «فاطمه» لغت نامه اسلامی آکسفورد:مدخل «فاطمه» و و لغت نامه قرون وسطی آکسفورد:مدخل «فاطمه» و لغت نامه اصطلاحات و حکایت آکسفورد: «فاطمه» و فرهنگ اسلام: «فاطمه»

مدخل فاطمه زهرا(س) در سه ویراست (EI1, EI2, EI3)

آنچه مسلم است متأثر از اغراض خاورشناسان در غرب، و اهداف تعریف شده و نیز تعارض های معنایی و سوء برداشت های تاریخی نویسندگان دایره المعارف اسلام ویراست اول (EI1) و از همه مهمتر اشکالات روشی موجود در آن به همراه اعتراضات پی در پی جوامع مسلمان ویرایش دوم این مجموعه آغاز شد (Bosworth, 1978:101-103) تا در کنار ارائه شکل متعارفی از مدخل ها بتوانند به اعتراضات و هتک حرمت های صورت گرفته در (EI1) تا حدودی پاسخ دهند. لیکن نحوه چینش و وام گیری از اطلاعات مقالات نسخه نخست و عدم انحراف واقعی ویراست دوم (EI2) از نسخه نخست آن، گونه ای وام گیری از نسخه نخست را به ذهن متبادر می کند. لذا قصد داریم تا با نشان دادن گفتمان کلی مسلط برای فضای شرق شناسی غرب و تسلط مفاهیم اسلام هراسی در فضای گفتاری و نوشتاری خاورشناسی نشان دهیم که کماکان تحت تاثیر همان گفتمان مسلط و فضای غالب بر دایره المعارف اول (EI1) مقالات ویراست دوم (EI2) خیلی دقیق مطابق با موازین علمی متکی بر رویکردهای ایدئولوژیک اسلامی تصحیح نشد. حال این مقاله قصد دارد در بازخوانی نقد گونه مدخل حضرت فاطمه(س) در سه ویراست دایره المعارف، به نقد نگاه مستشرقان به مفاخر میراث اسلامی و بطور کلی تصویر سازی از فاطمه زهرا(س) به عنوان دختر رسول خدا(ص) و همسر علی ابن ابیطالب(س) و جانشین و وصی رسول خدا(ص) بپردازد. افزون براین مقاله حاضر مترصد است ضمن یافت شاخصه های مدخل حضرت فاطمه(س) به این سوال پاسخ دهد که: آیا ترس از اسلام و ناشناختگی از اصول و فروع آن موجبات بدفهمی مستشرقان از تاریخ اسلام را ایجاد نکرده است؟ آیا نویسندگان ویراست دوم تحت تاثیر



مقاله پژوهشی



گفتمان اسلام هراسی که بر فضای اروپای دوره معاصر مسلط بوده است، قرار داشته اند؟ شاخصه ها و مولفه های مدخل های مورد نظر چیست؟ مطابق بررسی های تاریخی می توان پذیرفت غلبه اسلام هراسی و اسلام گریزی در اغلب مقالات ویراست اول (EI1) امری ملموس و موضوعی بسیار مشهود است. (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷۵-۳۸۰) و همین صراحت اسلام ستیزی و قرائت غلط از رخداد های تاریخی و یا مدخل های مرتبط باعث آشوب و اعتراضات دامنه دار مسلمانان در جهان شد. اما ویراست دوم (EI2) تلاش کرد تا گفتمانی معتدل تر نسبت به متن قبلی ارائه دهد هرچند به نظر متکی بر استدلال های موجود در این کتاب هرگز نتوانست پا را از دایره گفتمان اسلام هراسی غلبه یافته بر مقالات دایره المعارف نخست فراتر نهد، اما با لحنی آرام تر و با هدف گذاری های علمی تلاش کرد تا از دامنه اعتراضات بکاهد و بر اقبال دائرة المعارف نویسی بیفزاید.

گفتنی است پس از مدتها از نشر ویراست دوم (EI2) و ویراسته سوم (EI3) هم پا به عرصه حیات علمی نهاد. اما هنوز ویراست دوم (EI2) قابلیت ارجاع دهی و اعتنا داشت. چنانکه مطول بودن مقالات، تنوع نویسندگان، شمولیت مدخل های و سهل الوصول بودن آنها کماکان مد نظر خوانندگان این مجموعه قرار داشت. با این وجود ویراست سوم هم توانست جای خود را در فضای کتابهای مجازی با قدرت بالای جستجو در متن باز کند.

نویسندگان مدخل های فاطمه در سه ویراست دائرة المعارف

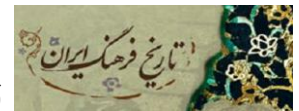
نخستین مدخل دائرة المعارفی مختص حضرت فاطمه زهرا (س) را در اولین ویراست دائرة المعارف اسلام (EI1) **هنری لامنس** (Henri Lammens) خاورشناس، نویسنده و کشیش شهیر بلژیکی (۱۸۶۲-۱۹۳۷م) به رشته تحریر در آورد. در فاصله سال های ۱۹۱۳ میلادی ۱۹۶۵ م یعنی حدودا ۵۰ سال بعد از نخستین ویراست، دومین مقاله فاطمه زهرا (س) در دائرة المعارف اسلام (EI2) توسط لائورا وچا والی پری (Laura Veccia Vaglieri) شرق شناس و اسلام پژوه ایتالیایی (۱۸۹۳-۱۹۸۹م) تدوین و منتشر شد. با شکل گیری و تبویب نسخه سوم دائرة المعارف (EI3) در سال ۲۰۰۷ میلادی مدخل فاطیما به پروفیسور وِرنا کلیم (Verena Klemm) متولد ۲۹ آوریل ۱۹۵۶ م، استاد و رئیس موسسه مطالعات عربی در دانشگاه لایپزیگ محول شد. این تنوع نویسندگان نشان می دهد مقالات مربوط به فاطمه زهرا (س) نتوانسته جامعه علمی جهانی را قانع کند. لذا تحولی چشمگیر هم در روش و هم در محتوا

مقاله پژوهشی

تحقق یافت باید پذیرفت لامنس کشیشی متعصب با معیارهای تند کاتولیکی بود. (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷۰-۳۷۱) از این رو گاهی او را الیسوعی هم لقب داده اند. (Giard, 1991: 291) او با اتکا بر اطلاعات کتاب خود "فاطمه و دختران محمد صلوات الله علیه"، "Fātima et les filles de Mahomet" به تشریح تاریخی شخصیت حضرت فاطمه (س) پرداخته است و از این رو مقاله دایره المعارفی اش تنها گزیده برداری از همان کتاب پیش گفته اوست. موبد این ادعا کاربست بسیاری از داده های آن کتاب بی کم و کاست، در مقاله دایره المعارف اسلام (EI1) با همان نگاه متکی بر قداسِ سنت (Lammens. 1912: 21) است. وی در مقدمه کتاب فاطمه و دختران محمد (ص) می نویسد: پژوهش پیش رو ... اجازه می دهد اعتبار اسنادی ادبیات نخستین مسلمانان را ارزیابی کنیم. در این مطالعات کامل، دقیق و خاص، آنچه مفروض است اینکه سیره نبوی و تأویلات مربوط به آن، تماماً، به عنوان مجموعه سنت اسلامی، جنبه تفسیری دارد؛ به این معنا که در کنار متن آیات صریح قرآن، سیره در عمل به منظور ارائه تفسیر از همین آیات قرآنی به کار گرفته میشود؛ یعنی (آیات) و تأویلات مبهم و غامض قرآن که نیاز به رفع ابهام دارند، باید به حکایات معین و در خور توجهی (که همان سنت یا سیره است) ترجمه و تبیین شوند. در فهم و برداشت های مختلف از متون قرآنی باید همواره به دنبال تعمیم دادن قواعد و موضوعات در قرآن بود. (Lammens. 1912: IIV) لامنس در این مجموعه آثارش حملات شدیدی به سیره پیامبر اکرم دارد (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷۱) و طبعاً این نو نگاه متعصبانه بر نگارش مقاله فاطمه بی تاثیر نبوده است.

لائورا وچا والی پری: فارغ تحصیل و استاد دانشگاه مطالعات شرقی ناپل بود وی افتخار نویسندگی مقاله فاطمه

در ویراست دوم (EI2) را عهده دار شد. رویکرد آکادمیک او به نسبت رویکرد ایدئولوژیک لامنس نزد اهل علم پذیرفتنی تر می نمود. اما آغاز بحث علمی اش با بررسی آثار لامنس و ماسینیون کمی از اعتبار علمی او کاست. ابتکار او در شاکله بندی مقاله اش حائز اهمیت است. وی این مقاله را در دو بخش اصلی تاریخی و اسطوره ای با جای گذاری روایت های کتب سنی، متقدم شیعی و اسماعیلی ارائه کرد و در ضمن آن به تبیین شخصیت فاطمه زهرا (س) پرداخت. با نگاهی نقادانه و جزءنگرانه باید پذیرفت او در این مدخل درواقع بیشتر بدنبال معرفی پنداره جدید فراتاریخی از دختر رسول خدا (ص) بود. بطور کلی دایره المعارف اسلام ویراست دوم (EI2) و به تبع آن والی پری تلاش کرد تا گفتمانی معتدل تر نسبت به متن قبلی دایره المعارف اسلام ارائه دهد، لیکن نتوانست از گفتمان ایدئولوژیک لامنس فاصله



مقاله پژوهشی



بگیرد. قلم روان والی پیری و پای بندی او به اصول روشی و تاریخ نگارانه متکی بر منابع و پژوهش های تاریخی وزآمدتر، بویژه لحنی آرام تر و قلم منطبق با هدف گذاری های علمی کلان دائرة المعارف ، موجبات فاصله گرفتن مقاله فاطمه والیری از مقاله فاطمه لامنس را فراهم آورد.

ورنا کلم، (۲۹ آوریل ۱۹۵۶م) استاد دانشگاه لایپزیگ است (<https://www.uni-leipzig.de/en/>)

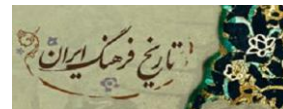
profile/ mitarbeiter/ prof-dr-verena-klemm-kuhn) که عهده دار مقاله فاطمه در ویراست سوم شد، او شاگرد هالم هایتس (Heinz Halm) شیعه پژوه آلمانی بود و با ادبیات اسماعیلیه آشنایی داشت. به دلیل همین گرایشات شیعه پژوهی و اسماعیلیه شناسی به تکمیل اطلاعات پیشین دو ویراست قبلی پرداخت با این تفاوت که توجه بیشتری به منابع تاریخی امامیه و کتب اسماعیلیه مبذول داشت. کلم تلاش کرد تا در این ویرایش ضمن بازخوانی تصویر فاطمه پیوندی تاریخی میان تحقیقات معاصران، و ادبیات مسلمین بویژه شیعه و ادبیات مسیحی با توجه به مقایسه با مریم (Kelemm., 2005: 185-186) ایجاد نماید. اما ظاهراً در این کار توفیق نداشت. (EI3, brill, July 21, 2013)

ساختار، محتوا و روش در مقالات فاطمه الزهرا در سه ویراست سه گانه دائرة المعارف اسلام

تحلیل محتوای مدخل فاطمه زهرا در سه ویرایش دائرالمعارف اسلام زمانی امکان پذیر است که بتوان بر فضای کامل گفتمانی همه مقالات آن مسلط شد. به عبارتی فهم خطاهای روشی ، درک اشتباهات فاحش تاریخی و تصویر پردازی فاطمه زهرا(س) به عنوان دختر رسول خدا(ص)، سیده النساء العالمین، همسر وصی رسول خدا(ص) و امام شیعیان علی بن ابیطالب علیه السلام، مادر حسنین علیهما السلام سیدان شباب اهل الجنه و مادر زینب کبری طلایه دار پسا عاشورا و عدم توفیق مستشرقان در نگارش مجموعه ای فاقد سوگیری موجب شده است تا رویکردهای نقادانه نسبت به این مقالات دانشنامه ای و دائرة المعارفی فزونی گیرد. از آنجا که عمده این رویکردهای نقادانه گاه به شاخص ها و ممیزات مقالات و اسلوب نگارشی و ضعف استفاده از منابع تاریخی باز می گردد، لذا لزوم بازکاوی این شاخص ها در مقالات این مجموعه ضروری به نظر می رسد. در این بخش به بیان ساختار محتوا و روش نویسندگان مقاله حضرت زهرا و بیان شاخص های مقاله فاطمه در سه ویراست دائرة المعارف اسلام پرداخته خواهد شد

الف ساختار عمومی مدخل های دائرة المعارف اسلام:

۱. اختصار و ایجاز: آنجا که اساس هر اثر دائرة المعارفی بر ایجاز نهاده است، تعداد واژگان مقاله فاطمه زهرا متناسب با اهمیت آن و اطلاعات و پژوهشهای موجود تنظیم شده است. از این با توجه به تحقیقات جدیدتر انتظار می رفت تا مدخل «فاطمه دختر محمد» در ویرایش اول، در تکمله و در ویرایش دوم و در ویرایش سوم تغییر دامنه واژگانی بدهد و یا به دلیل افزودن مطالب جدید و آنچه در ویرایش اول یا دوم نیامده، آمده در نسخه سوم تکمیل شود. اما بررسی ها نشان داد اطلاعات زیادتری در مقالات دوم و سوم اضافه نشد.
۲. درج فهرست منابع در انتهای مدخل از ویژگی ساختارمند مقالات دائرة المعارفی است. اما فقدان مشخصات کتابشناختی در برخی منابع منتشرشده بویژه منابع کهن و اسناد که عمدتاً بدون محل نشر و یا تاریخ نشر برصعوبت رفرنس دهی می افزاید.
۳. روشی که محققان *دائرة المعارف نویسی برای تدوین مقالات برگزیده اند* در دو سطح قابل ارائه است. نخست پژوهش منبع محور: چنانکه هیچ پژوهش تاریخی نیست که داده محور نباشد. بنابراین هر چه منابع قدیمی تر و اصیل تر باشند ارجاع به آن مهمتر خواهد بود. ثانيا نگاه انتقادی به منابع اولیه و تردید در وثاقت آنها، یک پای ثابت دیگر تحقیق تاریخی است و ثالثاً در انتخاب مطالعات با رعایت بهره گیری از منابع متقدم جهت بازسازی داده های تاریخی اولویت دارد، دوم: در مقام تبیین، روش تحقیق و نگارش مقاله ها در *دائرة المعارف اسلام* عمدتاً مبتنی بر نگاه به تاریخ با دید پوزیتیویستی و گاهی ترکیبی از این روش با روش پدیدارشناسی است به عبارتی حامیان روش پدیدارشناسی از ارزشها و باورهای برای فهم تاریخ استفاده می کنند ولی رهروان روش تاریخی از تاریخ برای “تبیین” ارزشها و باورهای اقوام کمک می گیرند. از این روست که در *دائرة المعارف اسلام* تاریخ، زبان شناسی تاریخی و نگاه تاریخی وزنه سنگین و همیشه حاضر در همه مقاله آن است. با توجه به این روش، می توان گفت غالب مقالات تاریخی، در شیوه گزینش منابع و شیوه استنتاجها بگونه ای نوشته شده اند که انتقادهایی از سوی مسلمانان بر آنها وارد است. مانند مقاله حضرت محد و یا مقاله فاطمه بنت محمد.
۴. دانسته است عمده مستشرقان، توجه شان به زبان شناسی تاریخی یا فیلولوژی، به تحقیقات تاریخی، به منظور شناخت نسخه های خطی و به تشکیک در وثاقت متون مقدس اسلامی معطوف است تا دانستن درونمایه آموزه های



- اسلامی، همین رویکرد آنها موجب شد است تا ساختار مدخل بسیاری از مقالات از درون مایه‌های اسلامی بی بهره باشد.
۵. توجه به اعتقادات اختصاصی مسلمانان بویژه شیعه و زندگی تحلیلی ائمه و خاصه فاطمه زهرا است. (جندقی، انتظار ۱۳۸۲)
۶. ساختار تدوین اطلاعات در آن به روش ساده است به طوری که برای تمام مردم به راحتی قابل استفاده است.
۷. به‌خاطر چینش و ترتیب علمی داده‌ها و اطلاعات، دسترسی و مراجعه به مطالب مورد نیاز راحت است.
۸. استفاده از مستشرقین نام آشنا به تبع آن پذیرش هرچه آنها بگویند توسط مراجعان دائرةالمعارفی
۹. شمولیت موضوعی تا جایی که هیچ جایگزینی برای دایره‌المعارف اسلامی وجود ندارد. (ابن عبدالله القاسم، ۱۴۰۳: ۱/ ۹-۱۰)
۱۰. دایره‌المعارف اسلام به زبان‌های مختلف انگلیسی، فرانسه، آلمانی، فارسی، ترکی، عربی و اردو ترجمه شده است و همین باعث شده تا دائرة مخاطبان آن دائماً فزونی گرفت.
- ب. ساختار اختصاصی مدخل فاطمه دختر رسول خدا (ص)**
۱. تاریخ زندگی و شخصیت: شامل اطلاعاتی درباره تولد، خانواده، ازدواج و نقش فاطمه زهرا در زندگی پیامبر و جامعه اسلامی اولیه؛
۲. نقش دینی فاطمه زهرا به عنوان به عنوان الگو و نمونه‌ای از اخلاق و تقوا و به مثابه شخصیتی موثر و مقدس در اسلام و تشیع؛
۳. نقش اجتماعی و سیاسی و فعالیت‌های فاطمه در دفاع از حقوق اهل بیت (ع) و انتقادهای او از کسانی که به ولایت علی (ع) تعرض کردند؛
۳. تأثیرگذاری فاطمه بر تاریخ اسلام بویژه پس از رحلت پیامبر(ص)، از جمله واقعه سقیفه و حادثه‌ی فک،
۴. منابع و روایات مأخوذ از متون اسلامی شیعه و سنی که به شخصیت و ویژگی‌های فاطمه زهرا می‌پردازند
۵. جایگاه فاطمه زهرا (س) در تاریخ و اسطوره‌های شیعه
۶. ازدواج با امام علی و مادری چهار فرزند: حسن، حسین، زینب و ام کلثوم

۷. نقش او در میان اهل بیت و توصیف ادبیات و منابع تاریخی که بر نقش فاطمه زهرا به عنوان یکی از چهار زن بهشتی تأکید دارند و جایگاه او به عنوان مادر امامان شیعه پذیرفته اند.

۸. حقوق زنان و مساله فد: بحث درباره وقایع تاریخی که به تأسیس و دفاع از حقوق فاطمه زهرا پرداخته و تأثیر آن را بر موقعیت زنان در اسلام جستجو کرده است.

۹. کاربری مراجع متقدم و روایات متناسب: اشاره به منابع اسلامی که به زندگی و کردارهای فاطمه زهرا در قرآن و سنت پرداخته اند.

تطورروشی و نگارشی نویسندگان مدخل های حضرت فاطمه (س) (فاطمیما) در سه ویراست دائرةالمعارف اسلام

گرچه معترفیم نقد رویکردهای محققانه مجموعه کلان دامنه‌ای چون دائرةالمعارف اسلام آسان نیست، زیرا همواره با پیچیدگی‌های موضوع از یکسو، سیاست و رویکرد صاحبان دانشنامه ها و دائرةالمعارف ها از سوی دیگر مواجه هستیم. از این رو شاید نتوان به همه زوایای مدخل های مورد نظر پرداخت، لیکن می توان درحد طرح مساله به برخی از موارد آن پرداخت:

هنری لامنس، (متوفی ۱۹۳۷م) اولین مدخل فاطمه را در سال ۱۹۲۷ میلادی با این عنوان: «Fatimah

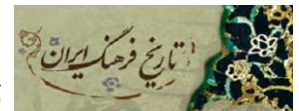
bint Muhammad» در مجموعه EI1 دائرةالمعارف اسلام نوشت. او کشیشی یسوعی و بسیار متعصب بود (Giard & De Vaucelles, 1996, 291) رویکردهای سوگیرانه، جدلی و مملو از تعصبات دینی و مذهبی او

نسبت به مسلمانان بر کسی پوشیده نیست. (مهدی پیشوائی، ۱۳۸۴: ۱-۲۷ و جازاری معمولی ۱۴۰۱، ۲۸۳) وی در این مقاله (مدخل) می کوشد تا چهره‌ای ضعیف، بیمار و گریان از حضرت فاطمه (س) ارائه دهد. گرچه نوشته او متأثر از

کتابی است که پیشتر بنام «فاطمه (س) و دختران محمد (ص)» با محوریت انفعال و افسردگی شخصیت حضرت زهرا (س) را در سال ۱۹۱۲ م منتشر کرده است اما او وفادارانه بر منابع ضعیف اهل سنت پا می فشارد. لامنس این نگاه را

با اتکا بر ارجاعات ناقص به منابع اسلامی داشت و در دانشنامه اسلام لایتن دوباره نظراتش را انتشار داد. شایان توجه است او در ورطه پژوهش‌های اسلام‌شناسی اوایل قرن بیستم غرق شده بود به نوعی او نیز همچون برخی مستشرقان

اسلام پژوه برای دفاع از عالم مسیحیت حمله به اسلام را سرمطلع کار خویش قرار داده بود شاید از این قبل بتواند گفتمان مسیحی را از مواجهه با اسلام برهاند.



مقاله پژوهشی

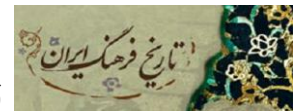


بی شک یکی از مهمترین نقدهای جدی به لامنس، عدم بی طرفی و فقدان رعایت حریم های علمی است. او از سویی در موافقت با گفتمان یهودی - مسیحی می کوشد تعابیر و وقایع اسلامی را بر اساس مشابهت های یهودی تفسیر کند و از سوی دیگر، موضوعات و مفاهیم اسلامی را در معرض نقد تاریخی قرار دهد. البته در هر نقد روشی دیدگاه هنری لامنس درباره حضرت فاطمه (ع) می تواند آئینه تمام نمای وضعیت زمانه و مواجهه های جریان های مختلف عصر باشد. زیرا لامنس برای اثبات نظریاتش اولاً بر اخبار و وقایعی تکیه کرده که به عنوان امور فرعی و جزئی محل اختلاف خود اندیشمندان و مورخان مسلمان بوده است و به مسائل و گزاره های اجماعی و تواتری نویسندگان مسلمان توجهی نداشته است. نکته اساسی دیگر این که مقاله حضرت زهرا عمدتاً بر پیش فرض های خاص و کاملاً سیاسی و دینی لامنس استوار است، این است که او بر یک مسأله محوری مهمی تاکید می کند که: «شناخت کاریزماتیک و قداست گونه پیامبر(ص) و اهل بیت او، تحت تأثیر حضور امویان بر مسند قدرت بوده است و این مساله در آرا و نظرات مسلمانان سده دوم ظهور یافت». در حقیقت، وی این شناخت را معلول جریان های سیاسی و اجتماعی آن دوران و نیز ورود «سلطنت - خلافت اسلامی» در عرصه توازن بین المللی باز می گردد. در همین راستا، ارزش حضرت فاطمه (ع) و اهل بیت (ع)، از سده دوم هجری ظاهر می شود. قرن اول هجری را باید عصر گمنامی اهل بیت (ع) محسوب کرد. لامنس اصرار دارد تاکید کند هویت مقدس گونه حضرت فاطمه (ع) و خاندانش در سده دوم معلول مقابله علویان و جریان اکثریتی اهل سنت در مدینه است و در این میان، عباسیان نقش محوری بر عهده دارند. چنانکه با برجسته سازی و حتی تحریف فضایل اهل بیت (ع) برای مشروعیت بخشی به خلافت خود و مهار علویان تلاش های متعنی و دامنه داری دارند.

علاوه بر این نقد دیگری که به او وارد است اینکه موضوع روش شناسی اوست. کاربرست داده های تاریخی و روایی که از منابع اهل سنت برگرفته است و استنادهای او به صحاح و مسانید و آثار رجالی آنها، برای تعریف شخصیتی شیعه مقاله او را بشدت تضعیف می کند. بنابراین نوادر و روایات شاذ تاریخی درباره فرزندان رسول خدا(ص)، که سابقاً محل اختلاف مورخان مسلمان هم بود، نیز برای وی جذابیت بیشتری می یابد این مسئله را باید یکی از مهمترین ضعف های او دانست. چراکه ریشه این نوع نگاه جزمی به اهل بیت و نیز بدفهمی از داده های منابع به پیش فرض های او از یکسو، عدم روش شناسی عدالت محور و منصفانه از سوی دیگر بوده است. کنکاش های مستمر او، و

رویکرد بیش از حد نقادانه‌اش موجب خروج وی از انصاف علمی شده است. (Dussaud ۱۹۱۳: ۱۳۳-۱۳۴). نقد دیگری که براو وارد است رویکرد گزینشی اودر قابل داده های تاریخی است. او منصفانه و محققانه در معرض منابع قرار نمی گیرد. برای مثال وقتی از جایگاه زن و حقوق وی در سنت اسلامی سخن می گوید، فقط به روایات خاص و شاذ رجوع می کند و ادبیاتی غیرمعمول در ترسیم تصویر شخصیت های اسلامی بکار می گیرد. (2004: 128; Rocalve). این در حالی است که او نه احاطه لازم و شناخت کافی را بر مسائل اسلامی و فقه آن و بویژه حقوق زن دارد و نه توان تحلیل و تبیین مسائل حقوق اسلامی را درباره زنان و حتی در سیره نبوی می تواند داشته باشد. نوشتار عجولانه او در باب حقوق زنان و مقایسه آن با سایر ادیان موید همین نوع نگاه غیر عالمانه و متعصبانه او به مساله زنان است. او از این منظر نه تنها حقوق اسلامی را زیر سوال می برد بلکه، در ذهن تند او نقد دشمنانه آیین اسلام و فرهنگ اسلامی به گونه ای هدفمند آمده است. .

هرچند **لائورا وچا والی پری** اسلام پژوه ایتالیایی (۱۸۹۳-۱۹۸۹م) به ظاهر راه و روش متعصبانه، پرخاش گرانه، لامنس را درمقاله فاطمه، ویراست دوم دائرة المعارف EI1 نپیمود. وی با اسلوبی علمی و روشی آکادمیک اما با همان منطق شرق شناسی به سراغ زندگی حضرت زهرا رفت و البته نتوانست از همان منطق لامنس و گلدزیهر فاصله بگیرد. که این خود دلایل معلومی دارد که تشریح آن از حوصله این مقاله خارج است. مقاله ای که او نوشت دارای یک مقدمه و دو بخش کلی و ۲۸ عنوان جزئی یا به عبارتی سوتیتر و یک نتیجه نهایی بود. در یک نگاه کلی شاکله مقاله او در دو بعد تاریخی و افسانه ای تنظیم شده است. رویکرد ظاهری توصیفی اما پیکره ای انتقادی دارد. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴۶) در این مقاله او می کوشد تا با قوام بخشی به استدلال های عقلانی ضمن برون رفت از تیررس مخالفان مسلمان، بخشی از واقعیت های تاریخی را بیان کند اما در این طریق او ناموفق است. گرچه می کوشد میان آراء مغرضانه لامنس و آراء ایدئولوژیک ماسینیون راهکاری میانه بجوید، اما به دلیل عدم رویکرد انتقادی به اشتباهات لامنس در تحریر مقاله فاطمه، و با خوانش افکار ماسینیون در باره فاطمه به تعبیری چون عارفانه هرگز موفق نیست. این درحالی است که در جای جای مقاله نوشته ها و تحلیل های ماسینیون را در باره فاطمه ناشی از تجربه های خارق العاده دینی و عارف مسلکانه می داند. او در بخشی از مقاله فاطمه را اسطوره نامیده است و درک ماسینیون از رفتارهای کاریزماتیک فاطمه را نتوانسته بپذیرد. این درحالی است که در اغلب اخبار اختلافی رای لامنس را بر ماسینیون ترجیح



مقاله پژوهشی



داده است. تشکیک های والیری به سن فاطمه و ترجیح اقوال اهل سنت در دیر ازدواج کردن فاطمه و حتی فقیر و تنگدست دانستن علی (ع) به عنوان مانعی جدی در ابرازپیشنهاد ازدواج جمله تفسیرهای او از وقایع تاریخی است حال آن که منابع تاریخی هیچ یک استدلال های او را تایید نمی کند. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۶-۲۵۹) او در تمام این مقاله تلاش دارد خانواده علی را تنگدست معرفی کند و در متن آن بر طبل مشاجرات علی و فاطمه می کوبد و به "شدت و خشونت" علی در خانه اشاره می کند!!!!(همان: ۲۶۲) و لقب ابوتراب را برای علی موید بد اخلاقیدر خانه و بیتوته در مسجد می داند، حال آنکه با رجوع به تاریخ طبری به راحتی تبیین این لقب آسان بود. (طبری، ۱۹۶۷: ۱۵/۲)

یکی از نقدهای جدی که به مقاله والیری وارد است، ایجاز و اختصار در جایگاه و نقش فاطمه در رخداد های تاریخی است. این ایجاز به کم اهمیت بودن رخدادها و نقش او منجر می شود. او اخبار را تنها در معدودی از منابع اهل سنت جستجو می کند حال آنکه می توانست بر دامنه منابع خود بیفزاید و بر حقیقت تاریخی صحنه گذارد. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۶۸-۲۷۴)

ورنا کلم (۱۹۵۶م) استاد شرق شناس شهیر آلمانی که مقاله فاطمه را در ویراست سوم با ۴۰۱۴ کلمه نگاشت، به دلیل آشنایی نویسنده با ادبیات شیعه بویژه اسماعیلیه، مدخل فاطیما از فضای گفتمانی مناسب تری نسبت به دو مقاله پیشین داراست. اما او نیز نتوانست از هیمنه استشراق و اهداف مسلط برآن، برهد. انتخاب منابع و رجوع مکرر به منابع اهل سنت و برخی متون تاریخی خاص مانند طبقات الکبری، چینش مطالب و گزینش داده های تاریخی یکسویه مقاله فاطمه را در دائرة المعارف سوم EI1 در همان سطح پیشین نگه داشت و نتوانست چهره متعادلی از حضرت فاطمه متناسب با باورهای مسلمانان ارائه دهد. این درحالی است که مراجع پژوهشی او کماکان هنری لامنس در مدخل (Fatima et les flues de Mahomet (1912 و اولیری، بود، صراحتاً مطالعه خود را از نیز کسانی چون: داونر (Donner)، گانتر (Gunther)، گیرتز (Geertz) و کماکان لامنس، کلبرگ، استوسر، ایوب (Ayoub)، هالم، مک اولیف (McAuliffe) (آیسر، اسپلبرگ، روت رودد، والیری، مادلوناگ (Madelung)، اکر (Echer) و اسمیت (Smith) بهره جسته است. (Klemm, V. 2005: 181-208)

مقاله پژوهشی

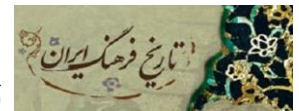
او در ابتدای مقاله حضرت فاطمه او را بانویی تحسین برانگیز قلمداد می‌کند اما در رویکردی عجولانه از شخصیت حضرت فاطمه را براساس منابع اهل سنت تصویر می‌کند و منابع شیعیان را خیالی و اسطوره گونه دانسته است (پورصالح کچومتقالی، و شهلا بختیاری، ۱۴۰۳: ۲).

وی در مقاله اش به این نتیجه رسیده است که جهان تاریخی درباره حضرت فاطمه گاهی به صورت انسانی عادی و مطلوب و گاهی انسانی والا دارای مکارم اخلاق و فضایل اخلاقی و معنوی قضاوت می‌کند. که این برداشت به مرور با جهان خیالی در ادبیات شیعی، همراه می‌شود و در این ورطه با افسانه‌های مقدس خیالی آمیخته شده و در منابع شیعه باقی مانده است. (Klemm, V. 2005: 181-208) او نیز در ترسیم تصویر حضرت زهرا برای او شخصیتی تاریخی و شخصیتی افسانه ای و خیالی متصور شده است. کلم نقش های فاطمه (س) را در ادوار مختلف با جنبه های فراگیری در منابع شیعه جستجو کرده است. او گزارش های روایی را داستان سرایی قلمداد کرده است و اساسا تصویر فاطمه در ادبیات شیعه را نمی‌پذیرد.

شاخص های مقالات هر سه این نویسندگان را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

با یک بررسی کلی و مقایسه میان سه مدخل فاطمه در دائرة المعارف سه گانه اسلام که در بازه های زمانی طولانی از ۱۹۱۳ میلادی تا ۲۰۰۷ میلادی به نگارش در آمدند می‌توان شاخص های ذیل را با رویکردی انتقادی فهرست کرد:

۱. عمده مدخل ها ادبیاتی روان و عامه فهم دارند
۲. اغلب این مدخل ها فاقد مفاهیم و اصطلاحات درخور توجه دستکم تاریخی هستند. رویکرد عجولانه در تبویب آنها موج می‌زند.
۳. عدم بی طرفی و وجود سوگیری و نادیده گرفتن واقعیت های تاریخی متکی بر منابع اصیل؛
۴. عدم توجه به منابع شیعه و دستکم مقایسه داده های منابع شیعه با منابع اهل سنت؛
۵. فقدان رویکرد جستجوگرانه برای یافت حقیقت و یا رویکرد مقایسه ای روایت های تاریخی؛
۶. عدم فاصله گرفتن از مقالات پیش نوشته ای چون مدخل ویراست اول که توسط لامنس نوشته شد.
۷. عدم درک درست از ارزش های فکری و ایدئولوژیکی شیعیان و باور آنها نسبت به فاطمه و جایگاه او در



مقاله پژوهشی



۸. فقدان پابندی به زمان و تاریخ رخدادها چنانکه نویسندگان این مدخل ها بویژه لامنس در تعریف و توصیف اهل بیت پیامبر (ص) از موقعیت های حال و گذشته ساده، مجهول و حال کامل استفاده می کند. و همین موجب شده است تا زمان دقیق رخدادها مشخص نشود، برای نمونه او در وهله نخست، واقعه مباحله را قبول دارد و از اهمیت جایگاه اصحاب کساء در میان شیعیان آگاه است اما با تکیه بر کاربرد فعل حال کامل در این بخش قصد بیان یک نکته دیگر را دارد. زیرا موقعیت فعلی مذکور درباره نتیجه عملی مهم مورد استفاده است و لامنس در اینجا می خواست از نتیجه اصحاب کساء به عنوان یک ابزار برای برتری شیعیان تفسیر کند. وی جهت تأیید سخنان خود به آیه ۶۰ سوره مبارکه آل عمران ارجاع می دهد که نامی از حضرت زهرا (س) و یا امام علی (ع) در آن مشاهده نمی کند و مصداق اهل بیت همانا همسران پیامبر (ص) می باشد. این انکار در صورتی است که در طی تشریح اصحاب کساء به حضور امام و حضرت فاطمه (س) اشاره دارد و در آن جا نیز از موقعیت فعلی حال کامل استفاده می کند. والیری حل می شود و به طور کلی تفسیر لامنس از اهل بیت و آیه مذکور را نادرست اعلام می نماید. این زن اسلام شناس، بر غفلت یا عدم توجه مدخل اول درباره کاربرد ضمائر جمع مذکر آیه مذکور اشاره دارد که منجر به یک تفسیر نادرست از مفهوم اهل بیت پیامبر (ص) شد.

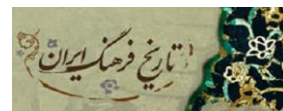
۹. وجود انکار تناقضی در ویراست اول نسبت به ویراست های دوم و سوم مدخل فاطمه بیشتر است. خواننده محترم بایست به عنوان منتخبی ولیری در این بخش توجه کند که حضرت زهرا (س) را از پنج تن و اهل بیت (س) معرفی می کند؛ درواقع، او بنابر تقسیم بندی منابع شیعه و سنی این انتخاب را نداشته و بر حقیقت وجودی حضرت در این حلقه توجه دارد. چنانچه برای ختم سخنان خود و اثبات ادعایش به آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب می پردازد که پیامبر (ص) هر روز هنگامه نماز صبح بر خانه فاطمه (س) حاضر می شد و این آیه تطهیر را می خواند. بنابراین، ما در ویرایش دوم سال ۱۹۶۴ مدخل فاطیما (س) دانشنامه اسلام، لایدن شاهد یک حرکت اثباتی در حوزه دینی هستیم که البته این روند در چاپ دوباره سال ۲۰۰۷ کماکان ادامه داشت اما تنها مختصر و گذرا، آن هم دوباره با تقسیم بندی منابع سنی و شیعی. سوای از آن، دیگر مباحله و اصحاب کساء یا به طور کلی مفهوم اهل بیت (س) دارای بار اغراقی در تحلیل جدید ورنا کلم هستند، بدین خاطر از فعل گذشته ساده استفاده می کند تا فقط به کوتاهی این مسائل اشاره نماید.

مقاله پژوهشی

۱۰. غفلت از نقش سیاسی فاطمه در مقاله لامنس و برعکس تاکید دو ویراست دوم و سوم بر نقش سیاسی حضرت در وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)
۱۱. ترسیم زنی بیمار و ناتوان و بسیار ضعیف توسط لامنس
۱۲. مداخل اول و سوم دانشنامه چندان به نقش قوی و فعال سیاسی زهرا (س) برابر حرکات خلیفه قائل نیستند. اما می‌توان گفت که هر سه مدخل با توجه بر تفاوت نوشتاری نسل، به برخورد دو بینش مخالف جهت تعیین موضع قدرتی و میراث پیامبر (ص) تمرکز دارند.
۱۳. نویسندگان سه مدخل در سه ویرایش متوالی، درباره حضور و حقوق اجتماعی و یا حقوق ناشی از هبه، حضرت زهرا (س) و رفتار زورگویانه با ایشان
۱۴. شدت و ضعف توصیف ماجرا، در گرو نگرش صاحبان قلم است. بدین ترتیب که لامنس چگونگی مخالفت حضرت با موضوعات جانشینی و فدک را به صورت واکنش‌های منفی و مثبت ارزیابی می‌کند. این حرکات به‌ویژه در زمان مسئله فدک و پاسخگویی قوی فاطمه (س) مقابل سخنان خلیفه، هرچند در قالب جملاتی کوتاه توسط این کشیش مسیحی مهم جلوه می‌نماید زیرا موجب بازگشایی یک مسیر جهت بیان یک حقیقت تاریخی در کتب مرجع اسلام‌شناسی غرب می‌شود. مدرک ادعای ما قلم‌ولیری در این حوزه است که او به حضرت عنوان فعال سیاسی می‌دهد. زیرا وی از فشار مخالفان برای ورود به خانه و بیعت اجباری از اهالی خانه، به‌خصوص از حرکت برخی جهت آتش زدن بیت ایشان اشاراتی دارد. این توصیف‌های والیری اگرچه متکی بر کتب شیعه و سنی در کنار هم است اما او به فرمایشات زهرا (س) درباره تضييع حقوق ایشان و مسئله جانشینی پیامبر اکرم (ص) ارجاع مستقیم بدهد.
۱۵. علاوه بر آن، والیری به حضور حضرت مقابل انصار برای بیعت با امام علی (ع) اشاره دارد که مجموع این تعاریف در موضوع جانشینی، اسلام‌شناس ایتالیایی را وادار به تعظیم مقابل دختر پیامبر (ص) در مقام یک فعال سیاسی صدر اسلام می‌نماید. چنان‌چه والیری در توصیف موضوع فدک نیز همین روند را تکرار کرد.

نتیجه

بررسی‌های به عمل آمده نشان داد که نویسندگان مدخل فاطمه زهرا (س) در سه ویراست دائرالمعارف اسلام مستشرقانی اسلام‌شناس با پیش فرض‌های اثبات شده هستند که بخش مهمی از درک آنها به ناشناختگی از اصول و



مقاله پژوهشی



فروع اسلام باز می گردد و همین ناآشنایی موجبات بدفهمی مستشرقان از تاریخ اسلام را ایجاد کرده است. شاخصه ها و مولفه های مدخل های مورد نظر چیست ادعای افسانه ای پنداشتن فاطمه و اوهام دانستن جایگاه اعتقادی او در منابع شیعه، به صاحبان این مقالات رویکردی شاذ و غیر قابل پذیرش داده است. تحقیقات نشان داد نوشته های این محققان اسلام شناس عاری از سوگیری نیست. آنان باورهای غلط غلات را در زمره رفتارهای مسلمانان شیعه قلمداد کردند و فاطمه را در آئینه آنان ترسیم کرده بعد خیالی و افسانه ای به او داده اند. تحقیقات نشان داد رویکرد کل گرایانه و غفلت از اجزاء حقیقت ساز رخداد های تاریخی باعث شده است تا مقالات حضرت زهرا به نسبت برخی مقالات مطول نباشد این رویکرد جزمی در مطالعات دائرة المعارف به اساس شخصیت تاریخی چون فاطمه لطمه زده است. علاوه بر این مشکلات روشی، نگرشی، در تدوین هر سه مقاله مشهود است اما مقاله لامنتس از میان آن دو به آفت سوگیرانه بیشتر الوده است. بررسی ها نشان داد گفتمان شرق شناسی لطمه اساسی به ویراست نخست زد و آن را از حیز انتفاع ساقط کرد لیکن به دلیل همسویی نویسندگان بعدی مدخل فاطمه (اولیری و کلم) با گفتمان خاورشناسی مغرضانه کماکان در محتوای متن از مقاله نخست فاصله نگرفتند لذا فضای نوشتاری این مقالات می تواند در حوزه مطالعات شرق شناسی عامدانه متکی بر سرشت اسلام هراسی قرار گیرد. به نظر می رسد در ویراست دوم و سوم این روحیه ستیزه گری با شیعه و اسلام هراسی تعدیل شده است اما از بین نرفته است.

منابع

- ۱- اسعدی، مرتضی، ۱۳۸۱، مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان: از آغاز تا شورای دوم واتیکان، تهران، انتشارات سمت.
- ۲- ادبی، محمد جواد، ۱۳۸۴، دایره المعارف اسلام مدرن، اخبار ادیان، شماره ۱۶، آبان و آذر؛
- ۳- ایمان محمد تقی، ۱۳۹۱، روش شناسی تحقیقات کیفی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲. ابن عبدالله القاسم، خالد، ۱۴۰۳، مفتریات و اخطاء دایره المعارف الاسلامیه دائرة المعارف الاسلامیه، چاپ اول، الرياض: دارالصمیعی للنشر و التوزیع
- ۴- پورصالح کچومثقالی، مهدیه و بختیاری شهلا ۱۴۰۳، تحلیل تصویر سازی ورنا کلم از شخصیت حضرت فاطمه (س) مجله پژوهش های تاریخی، سال شانزدهم، شماره یکم (پیاپی ۱۶)، بهار ۱۴۰۳، ۱-۱۹.
- ۵- جان احمدی، فاطمه؛ خضری، سید احمد؛ صفری فروشانی، نعمت الله؛ رنجبران، داود؛ ۱۳۹۲، توصیف و تبیین یهودی سازی تاریخ اسلام (با تاکید بر دایره المعارف اسلام، مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، تابستان ۱۳۹۲، سال هفدهم - شماره ۲، ص ۳۵۳ تا ۳۹۰.
- ۶- جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۸. تصویر حضرت محمد(ص) و حضرت زهرا(س) در دایره المعارف اسلام، ترجمه و نقد، قم، انتشارات شیعه شناسی.

مقاله پژوهشی

- ۷- جان احمدی، فاطمه، بایرام، مائده، ۱۴۰۲، جستاری در روش‌های ساخت تصویر اسلام‌هراسانه در غرب، مطالعه موردی مدخل‌های صدر اسلام در دائرة المعارف اسلام EI2، مجله مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۴۸، زمستان ۱۴۰۲.
- ۸- رودگر، قنبرعلی، ۱۳۹۳، مدخل دانشنامه نگاری، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۱۷، تهران.
- ۹- سبحان، ابوالقاسم، ۱۳۱۷، فرهنگ خاورشناسان، تهران، طبع کتاب
- ۱۰- سعید جازاری معمویی ۱۴۰۱، نقد روشی دیدگاه هانری لامنس درباره حضرت فاطمه (ع) در کتاب فاطمه ودختران محمد (ص) مجله شیعه پژوهش سال هشتم، شماره بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۸۲-۳۰۸
- ۱۱- جندقی، بهروز، ۱۳۸۲، مهدویت از دیدگاه دین پژوهان و اسلام شناسان غربی دایره المعارف اسلام، مجله انتظار، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۲.
- ۱۲- دانشنامه ایران و اسلام،
- ۱۳- رنجبران، داود، ۱۳۹۳، بررسی تأثیر گفتمان یهودی در برخی از مقالات دایره المعارف اسلام، فصلنامه پژوهشنامه‌ی تاریخ اسلام سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۳، ص ۹۹-۱۲۴.
- ۱۴- نوری، محمد، ۱۳۷۷، کارنامه ایران‌شناسی در آمریکا، مجله یاد، شماره ۵۱ و ۵۲
- ۱۵- نوری، محمد، ۱۳۸۴، دایره المعارف اسلام، کتاب ماه، دین، شماره ۹۹، تهران.

Bosworth, Edmund. (1978): "Report on the *Encyclopaedia of Islam*", *Bulletin (British Society for Middle Eastern Studies)*, Vol. 5, No. 2101-103;

EI1, Publishers' preface. 1987

Encyclopaedia of Islam Three, Brill, July 21, 2013

Giard, Luce; de Vaucelles, Louis, (1991) *Les jésuites à l'âge baroque (1540-1640)*, *Actes du colloque tenu à Chantilly en juin 1991*, Jérôme Million.

Lammens, Henri (1912). 'Fatima et les filles de Mahomet: notes critiques pour l'étude de la Sira', Sumptibus Pontificii instituti biblici.

Dussaud, René (1913). "Henri Lammens *Fatima et les filles de Mahomet. Notes critiques pour l'étude de la Sira*", *Journal des Savants* Année. Giard, Luce; De Vaucelles, Louis (éds.) (1996).

Klemm, V. (2005). "Fatima the daughter of the prophet Muhammad. Image Formation of an Islamic Legend", 58, 181-208

Journal of Historical Researches, Vol 16, Issue 1, No. 61, Spring 2024

Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain & Ireland (New Series), Volume 79, Issue 1-2, January 1947, p 136.

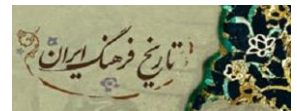
Elton, L, Daniel, *Encyclopaedia of Islam*, December 15, 2011, iranica encyclopaedia, August 18, 2013 <http://www.iranicaonline.org>,

Les jésuites à l'âge baroque (1540- 1640). Actes du colloque tenu à Chantilly en juin 1991, Jérôme Million.

Le Berceau de l'Islam: l'Arabie occidentale à la veille de l'hégire (The Cradle of Islam: Western Arabia on the eve of the Hegira)

Mahomet futil sincere 5. Fatima et les filles de Mahomet (Fatima and the Daughters of Muhammad V, ROMAE, Sumptibus Pontificii Instituti Biblici, 1912.

<http://www.brill.com>, *Encyclopaedia of Islam* Three, Brill, July 21, 2013



مقاله پژوهشی



Rocalve, Pierre. 2004. Louis Massignon: *promoteur du dialogue islamo-chrétien*, *Horizons Maghrébins*. Le droit à la mémoire Année. <https://tarikh.nashriyat.ir/node/413>
Jane Dammen McAuliffe in Qur'anic Studies Online : *Encyclopaedia of the Qur'ān Online*

تضاد منافع

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌دارد که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.